

یک دروغ، اگر یک‌بار گفته‌شود، شاید شنیده نشود، اما اگر هر روز، از زاویه‌ای تازه، با تصویر، ویدئو، موسیقی و روایت‌های احساسی تکرار شود، کم‌کم از یک ادعا عبور می‌کند و به «باور» تبدیل می‌شود. ذهن انسان، وقتی مدام در معرض یک پیام واحد قرار می‌گیرد، آن را به عنوان واقعیت می‌پذیرد، حتی اگر ریشه‌ای در حقیقت نداشته‌باشد. شبکه‌های اجتماعی دقیقاً بر همین سازوکار ذهنی سوار شده‌اند، جایی که خوراک فکری، آرام و مستثمر، به افکار عمومی تزریق می‌شود و احساسات، پیش از عقل، جهت می‌گیرند.

■ ■ ■

اینستاگرام سال‌هاست با همین منطق در بزنگاه‌های اجتماعی و آشوب‌ها نقش‌آفرینی کرده‌است، اما سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا واقعاً می‌توان باور کرد شبکه‌ای جهانی، با این حجم از قدرت اثرگذاری، به‌صورت رایگان در اختیار میلیون‌ها ایرانی قرار گرفته‌باشد، بی‌آنکه به دنبال هیچ منفعتی باشد؟! منفعتی که رد آن را باید نه در جیب کاربران، بلکه در ذهن و باور آنها جست‌وجو کرد.

■ **جذابیت‌هایی بی‌پایان و دام‌هایی که دیده نمی‌شوند**

پرواضح است که شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام، به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی نوجوانان و جوانان تبدیل شده‌است. هر چند این فضا، فرصت‌های اقتصادی را مهیا کرده، اما از سوی دیگر، توانایی تسخیر ذهن کاربران را دارد و می‌تواند افکار و رفتارهای‌شان را جهت دهد؛ موضوعی که بارها و بارها به ضرر منافع کشورمان تمام شده‌است.

تحلیل رسانه‌ها نشان می‌دهد که در جریان اغتشاشات اخیر نیز، بخشی از پیست‌ها و پیام‌های اینستاگرامی نوجوانان و جوانان را ترغیب به حضور در خیابان‌ها کرده و نقش مهمی در شکل‌دادن به احساسات جمعی و تصمیمات آنها داشته‌است؛ موضوعی که به‌روشنی نشان می‌دهد جذابیت‌ظاهری شبکه‌های اجتماعی تنها بخشی از تأثیر آنهاست و تسلط روانی و جهت‌دهی ذهن کاربران، اثرات بلندمدتی بر سبک زندگی و رفتارهای اجتماعی دارد.

این در حالی است که بسیاری، همچنان نسبت به آسیب‌های این فضا از شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام ناآگاه هستند یا حتی آن را انکار می‌کنند، اما واقعیت این است که این فضا، با تمام جذابیت‌هایش، تأثیرات روانی عمیقی روی افراد می‌گذارد، اگر چه هنوز برخی نمی‌خواهند آن را ببینند!

تحلیل سید جواد شیخ‌الاسلامی

■ **مقدمه: صدای پای تاریخ در گلوگاه انتخاب**

در گیرودار هیاهوی جهان مدرن، که گاهی سکوت حق را فریاد باطل می‌پوشاند، انسان‌ها طین‌طاهرانه‌ایی قرار می‌گیرند که انتخاب هر کدام، نه‌تنها سرنوشت فردی، که سرنوشت یک تمدن را رقم می‌زند. تاریخ، داستان تقابل نور و ظلمت است و امروز، در کانون این تقابل، دو گفتمان متضاد در برابر هم گر گرفته‌اند؛ گفتمانی که محورش «خود» است و گفتمانی که محورش «ما» و «ندا» است. این داستان، روایت تقابل دو نوع نگاه به «فداکاری» است؛ نگاهی که در آن همه چیز در کفه ترازوی یک «من» فرو می‌ریزد و نگاهی که «من» را در دریای «امت» حل می‌کند تا جاودانه شود.

برای درک عمیق این ماجرا، باید از دل یک خاطره شروع کنیم؛ خاطره‌ای شاید ساده، اما آکنده از حقیقتی تلخ و ترسناک. همین چند وقت پیش، در یکی از مصاحبه‌های با سلب‌ریتی‌ها انجام می‌گرفت، مصاحبه‌ای از فرخ‌نژاد را دیدم که می‌گفت: «مردم ایران مهم نیستند، اگر تمام ۸۰ میلیون ایرانی از بین بروند، برایم اهمیتی ندارد. فقط یک تار مو از فرزندم کم نشود.» فرخ‌نژاد، امروز در امریکا، برای ربع پهلوی گریه می‌کند و ادعای دلسوزی می‌زند، اما تلخی آن وقتی چندین برابر می‌شود که امروز شاهد باشیم این طیف افراد که امروز مهاجرت کردند، روزی وطن را به خاطر یک تار مو ی فرزندش به لجن کشیدند، حالا در شبکه‌های اجتماعی و تلویزیون‌های بیگانه، اشک تمساح می‌ریزند و می‌گویند دلشان برای مردم ایران می‌سوزد. آیا این دلسوزی واقعی است؟ یا جحسرت جایگاهی است که در آن طرف آب‌ها هرگز به آن نخواهند رسید؟! این افراد وقتی از ایران می‌روند، تازه متوجه می‌شوند که «ایران» تنها یک قطعه خاک نیست، ایران را یک هویت است، یک گرمای «ما» است که در سرخانه مذابت غرب، هرگز یافت نمی‌شود. در سوی دیگر میدان، اما قصه‌ای دیگر رقم می‌خورد؛ قصه‌ی مردانی که «فداکاری» را نه در شعار، بلکه در عمل و با خون خود معنا کرده‌اند. گفتمانی که سرمدارانش، نظامیانی چون شهید حاج قاسم سلیمانی هستند. مردی

گزارش مهساگرپندی



ذهن‌هایی که تسخیر می‌شوند

آشوب‌در یک کلیک!

محسن پورا احمد خمینی در گفت‌وگو با «جوان»: اینستاگرام و تلگرام صدرصد بد نیستند

اما این سؤال جدی است که سود آنها از ضررشان بیشتر است یا نه؟!

تناول کنیم، چیزی بشنویم یا حتی مصرف کنیم، علاوه بر تأثیر مستقیم، یک تأثیر وضعی و غیرمستقیم نیز در ما ایجاد می‌شود.»

پورا احمد خمینی مثال‌هایی برای روشن شدن اجتماعی بر رفتار و نگرش افراد می‌برد. او مفهوم تأثیر وضعی را در فرهنگ دینی توضیح می‌دهد و بیان می‌کند که این اثرات به طور غیرمستقیم در فرد ایجاد می‌شود: «در فرهنگ دینی، موضوعی با عنوان «تأثیر یا اثر وضعی داریم، یعنی اگر در محیطی قرار بگیریم، غذایی

شکسته می‌شود و کم‌کم تمایل او به این رفتار بیشتر می‌شود.»

او همچنین می‌گوید که این نوع تأثیرات نه‌تنها در دنیای واقعی، بلکه در فضای مجازی نیز وجود دارند. به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و تلگرام که محیط‌های مبتذل و نامناسب دارند.

این کارشناس ارشد رشته روانشناسی اسلامی، تذکره که در دنیای دیجیتال، «یک نخ سیگاری یا اثر وضعی» یا «یک پوک بزن»، اما به مرور زمان قبح این موضوع برای فرد



از نوجوانان به‌دلیل حضور در پیام‌رسان‌ها و بازی‌های آنلاین مستهجن، تحت تأثیر هیجانات قرار گرفته و رفتارهای خشونت‌آمیز از خود نشان دادند.»

او درباره تأثیرات منفی ماهواره و شبکه‌های اجتماعی خارجی بر خانواده‌ها می‌گوید: «برخی افراد می‌گویند اینستاگرام و ماهواره برای ما سود دارد و حتی در آن فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌دهند، اما باید توجه کنیم که باید ببینیم سود این امر بیشتر است یا ضرر آن. به ۲۱۹ سوره بقره می‌فرماید: «مردم از شراب و قمار از تو می‌پرسند، تو به آنها بگو که شراب و قمار گناه بزرگ است و سودهای برای مردم وجود دارد، اما گناه هر دو از سودشان بیشتر است.» پورا احمد خمینی ادامه می‌دهد: «ما نمی‌گوییم که اینستاگرام و تلگرام صدرصد بد هستند، اما باید از خود پرسیم که آیا سود آنها از ضررشان بیشتر است؟» او به اثرات منفی این رسانه‌ها بر فرزندان اشاره می‌کند و می‌گوید که این تأثیرات به‌ویژه زمانی نمایان می‌شود که فرزندانی که تحت کنترل این رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، به تدریج به رفتارهای ناهنجار عادت می‌کنند. پورا احمد خمینی به لزوم حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی و توجه به فضای فرهنگی و دینی در این فضاها اشاره می‌کند: «مسئولان باید برنامه‌هایی طراحی کنند که کمترین آسیب به کسب‌وکارها و فضای اینترنتی وارد شود و در سکوهای داخلی این حفاظت انجام شود تا از تهاجم فرهنگی و اعتقادی جلوگیری شود.»

او همچنین معتقد است که تلگرام و اینستاگرام به عنوان گام‌های مهم در مقابله با آسیب‌های فرهنگی باید برای همیشه بسته شوند: «وقتی بچه‌ها در فضای مجازی به این شبکه‌های اجتماعی معتاد شوند و تأثیر منفی بگیرند، بعدها باید خودمان را سرزنش کنیم که چندان سودی ندارد. بدون شک کودکان و نوجوانان در محیط خوب، خوب تربیت می‌شوند و در محیط بد، بد.»

او همچنین معتقد است که تلگرام و اینستاگرام به عنوان گام‌های مهم در مقابله با آسیب‌های فرهنگی باید برای همیشه بسته شوند: «وقتی بچه‌ها در فضای مجازی به این شبکه‌های اجتماعی معتاد شوند و تأثیر منفی بگیرند، بعدها باید خودمان را سرزنش کنیم که چندان سودی ندارد. بدون شک کودکان و نوجوانان در محیط خوب، خوب تربیت می‌شوند و در محیط بد، بد.»

او همچنین معتقد است که تلگرام و اینستاگرام به عنوان گام‌های مهم در مقابله با آسیب‌های فرهنگی باید برای همیشه بسته شوند: «وقتی بچه‌ها در فضای مجازی به این شبکه‌های اجتماعی معتاد شوند و تأثیر منفی بگیرند، بعدها باید خودمان را سرزنش کنیم که چندان سودی ندارد. بدون شک کودکان و نوجوانان در محیط خوب، خوب تربیت می‌شوند و در محیط بد، بد.»



از «خود» تا «ما» روایتی از دو سوی مرز

رسانه‌های بیگانه و وابسته، سلب‌ریتی‌هایی را که به تازگی مهاجرت کرده‌اند و دچار نوعی بحران هویت شده‌اند، به عنوان «قهرمانان مردم» معرفی می‌کنند.

آنها سعی می‌کنند با نشان دادن اشک‌های دروغین این افراد در تلویزیون‌های بیگانه، مردم ایران را فریب دهند، اما مردم هوشیار ایران، این بازی را می‌فهمند

از دست بدهند. بنابراین، حاضرند تمام جامعه را قربانی آسایش خود کنند. این نگاه، در نهایت منجر به فروپاشی جامعه می‌شود. چرا؟! چون جامعه‌ای که اعضای آن فقط به فکر خودشان باشند، دیگر «جامعه» نیست؛ بلکه مجموعه‌ای سن‌شان دنبال هیجان و احساس هستند و دنبال منطق نیستند.»

پورا احمد خمینی به تجربه‌های منفی از حضور نوجوانان در فضای مجازی نیز اشاره می‌کند: «در فتنه اخیر، بسیاری سنشان، به راحتی تحت تأثیر محیط‌های مجازی قرار می‌گیرند و دچار مقایسه‌های نادرست و حتی کاهش اعتماد به نفس می‌شوند: «کثر کسانی که در این شبکه‌های اجتماعی هستند، نوجوانان و جوانان زیر ۲۰ سال هستند که به اقتضای سن‌شان دنبال هیجان و احساس هستند و دنبال منطق نیستند.»

پورا احمد خمینی به تجربه‌های منفی از حضور نوجوانان در فضای مجازی نیز اشاره می‌کند: «در فتنه اخیر، بسیاری از دست بدهند. بنابراین، حاضرند تمام جامعه را قربانی آسایش خود کنند. این نگاه، در نهایت منجر به فروپاشی جامعه می‌شود. چرا؟! چون جامعه‌ای که اعضای آن فقط به فکر خودشان باشند، دیگر «جامعه» نیست؛ بلکه مجموعه‌ای سن‌شان دنبال هیجان و احساس هستند و دنبال منطق نیستند.»

پورا احمد خمینی به تجربه‌های منفی از حضور نوجوانان در فضای مجازی نیز اشاره می‌کند: «در فتنه اخیر، بسیاری از دست بدهند. بنابراین، حاضرند تمام جامعه را قربانی آسایش خود کنند. این نگاه، در نهایت منجر به فروپاشی جامعه می‌شود. چرا؟! چون جامعه‌ای که اعضای آن فقط به فکر خودشان باشند، دیگر «جامعه» نیست؛ بلکه مجموعه‌ای سن‌شان دنبال هیجان و احساس هستند و دنبال منطق نیستند.»

پورا احمد خمینی به تجربه‌های منفی از حضور نوجوانان در فضای مجازی نیز اشاره می‌کند: «در فتنه اخیر، بسیاری از دست بدهند. بنابراین، حاضرند تمام جامعه را قربانی آسایش خود کنند. این نگاه، در نهایت منجر به فروپاشی جامعه می‌شود. چرا؟! چون جامعه‌ای که اعضای آن فقط به فکر خودشان باشند، دیگر «جامعه» نیست؛ بلکه مجموعه‌ای سن‌شان دنبال هیجان و احساس هستند و دنبال منطق نیستند.»

پورا احمد خمینی به تجربه‌های منفی از حضور نوجوانان در فضای مجازی نیز اشاره می‌کند: «در فتنه اخیر، بسیاری از دست بدهند. بنابراین، حاضرند تمام جامعه را قربانی آسایش خود کنند. این نگاه، در نهایت منجر به فروپاشی جامعه می‌شود. چرا؟! چون جامعه‌ای که اعضای آن فقط به فکر خودشان باشند، دیگر «جامعه» نیست؛ بلکه مجموعه‌ای سن‌شان دنبال هیجان و احساس هستند و دنبال منطق نیستند.»

مردم ایران می‌بینند که این سلب‌ریتی‌ها، در زمان سختی، کشور را ترک کردند و حالا در آسایش و رفاه، ادعای دلسوزی می‌کنند، اما در مقابل، آنها شهیدان و سردارانی را می‌بینند که تمام زندگی‌شان را در خطر انداختند تا آنها در امنیت باشند. مردم ایران، با وجود تمام مشکلات اقتصادی، هنوز هم عاشق شهید حاج قاسم سلیمانی هستند و پلاکاردهای او را بر دیوارهای خانه‌شان آویزان می‌کنند. این یک انتخاب آگاهانه است. مردم انتخاب کرده‌اند که به مسیر گفتمان دوم قدم بردارند؛ گفتمانی که به آنها عزت می‌دهد.

نویسنده‌گان رسانه در ایران، وظیفه دارد که این حقایق را روشن کند. ما نباید اجازه دهیم صدای اقلیت مهاجر و وابسته، بر صدای اکثریت قهرمان و فداکار غلبه کند. ما باید داستان‌های فداکاری را روایت کنیم. داستان آن تکانوری که برای نجات یک جسد، خود را به خطر انداخت تا ناموس یک ایرانی حفظ شود. داستان آن پزشکی که در دوران کرونا، خود را فدا کرد تا بیماران زنده بمانند. اینها قهرمانان واقعی ما هستند، نه آنهایی که در لس آنجلس، برای شاه گذشته گریه می‌کنند.

■ **فصل پنجم: آینده‌ای درخشان در سایه گفتمان مقاومت**

در نهایت، باید به این سؤال پاسخ دهیم که کدام گفتمان می‌تواند آینده‌ای روشن را برای ایران رقم بزند؟ آیا کشور ما با گفتمان «من و خانواده‌ام» پیشرفت می‌کند؟ قطعاً خیر، اگر همه ما مثل فرخ‌نژاد فکر می‌کردیم، امروز هیچ کشوری به نام ایران وجود نداشت. ما در دوران دفاع مقدس، با همین تفکر پیروز شدیم، ما در راه شاکست دادیم.

امروز هم، در جنگ ترکیبی دشمن، تنها راه نجات، تکیه بر همین گفتمان فداکاری است. جوانان ایرانی باید بدانند که ارزش آنها در تعداد دنبال‌کنندگان اینستاگرامشان نیست، بلکه در میزان خدمتی است که به مردم و کشورشان می‌کنند. آنها باید الگوهای خود را از میان شهیدان و اینان‌گران انتخاب کنند، نه از میان سلب‌ریتی‌های مهاجر.

ایران، کشوری است که تاریخ‌ش با خون عاشقانش نوشته شده‌است.